

زندگی و شعر اسماعیل خوئی

به رسم «حقیقت» و «زیبایی»

محمود معتقدی



۱۶۸	از حدیث شمس الشعر	از شمس الشعر
۱۶۵	چرا که ما یک گفتگو بوده ایم	بعضی از شعرها
۱۷۸	بازاندیشی در ذات شعر	از شعرها
۱۷۹	۵۸ قابل منت و قدر است	۲/۱۵ و ۲/۱۶ و ۲/۱۷
۱۸۱	۶۸ مردی که غرضی ندارد	از شعرها
۱۹۱	۵۶ شاعر و فروشنده دوره گرد	۲/۱۸ و ۲/۱۹
۱۹۱	۷۶ ترجمه در پوست شیر	از شعرها
۱۹۲	۱۰۲ گشت چارواکی	بعضی از شعرها
۱۹۲	۱۰۱ لغوی از نگاه دیگران	بعضی از شعرها
۱۹۵	۶/۱ (مباحث)	دوره و بلاغ و منته و منته

فهرست

متن‌ها و نوشته‌ها

۹	به عبارت اول	شعرها
۱۱	پیش‌گفتار	از شعرها
۱۷	سال‌شمار	از شعرها
۲۱	اسماعیل خوئی: یک پنجره به شعر!	از شعرها
۲۷	از «خشم» و «عشق» و «مرگ»	از شعرها
۳۳	از سرچشمه‌های «غزل» تا جهان «غزلواره‌ها»	از شعرها
۳۹	بازتاب فلسفه‌ورزی در شعر خوئی	از شعرها
۴۹	کتاب‌های شعر	از شعرها
۵۱	همنوایی با سرزمین مادری!	از شعرها
۵۵	بازخوانی شعر «مسافر»	از شعرها
۶۱	از «رمانتیسیم اجتماعی» تا صید دنیای کودکی!	از شعرها
۶۵	بازخوانی شعر «در امتداد زرد خیابان»	از شعرها

۱۶۱	از هستی شناسی تا شعر!
۱۶۵	چرا که ما یک گفتگو بوده‌ایم
۱۷۳	بازاندیشی در ذات شعر
۱۷۹	تقابل سنت و مدرنیته!
۱۸۵	مردی که تلخی‌ها را می‌نوشت
۱۹۱	شاعر و فروشنده دوره‌گرد
۱۹۱	ترجمه در پوست شیر اثر شون اوکیسی
۱۹۳	بازگشت جاودانگی از نگاه نیچه
۱۹۵	خونی از نگاه دیگران
۱۹۵	(مهاجرت)
۱۹۹	گزینه شعرها
۲۰۳	کویر
۲۰۹	بی‌خورشید
۲۱۵	شمال نیز
۲۲۱	وقتی که من بچه بودم
۲۲۷	این سرزه؟
۲۳۵	غزلواره ۱۱
۲۳۹	غزلواره ۱۳
۲۴۳	با آسیاب این تاریخ
۲۴۶	غزلواره ۱۶
۲۵۳	بر رود پرسرود «شدن»
۲۶۰	در انفجار خزان
۲۷۵	برگی که مرگ خواهد بود

۷۳	از برزخ مرگ تا رؤیای میخانگی!
۷۷	بازخوانی شعر «حماسه مگس‌کش»
۸۱	عشق به مثابه یک تغزل پایدار!
۸۵	بازخوانی «غزلواره ۱۲»
۸۹	از حسرت شکفتن!
۹۵	بازخوانی شعر «تا آوار»
۹۷	از بودگان تا فرسودگان
۱۰۳	بازخوانی بخشی از شعر بلند «ما بودگان»
۱۰۷	فصلی میان شکفتن و رستن
۱۱۳	بازخوانی شعر «از خاک و خشم و اندوهم»
۱۱۷	از تغزل تا اندیشه‌های فلسفی
۱۱۹	شاعر در غربت
۱۲۳	زیستن و مرگ، نه چندان روشن و تاریک!
۱۲۷	بازخوانی شعر «وامگزاری»
۱۳۱	برگستره جان و جهان!
۱۳۵	بازخوانی «غزلواره ۳»
۱۳۷	پاره‌های عشق و اندوه و زیبایی!
۱۴۳	بازتاب غربت به گونه‌ای دیگر!
۱۴۷	از خاطره‌های زیستن!
۱۵۵	متن‌ها و نوشته‌ها
۱۵۷	روایت «حافظ چه می‌گوید»
۱۵۸	۱. حافظ چه می‌گوید؟
۱۶۰	۲. حافظ

بودن از دانشگاه به «مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی» تبعید کردند، اما در آنجا هم بساط شعر و گفت‌و شنودها به گونه دیگری ادامه پیدا کرد. چندی نگذشت که من هم به‌عنوان کتابدار به زیرمجموعه همان مؤسسه در «مرکز مدارک علمی ایران» راه یافتم و تا آغاز دهه شصت، همچنان با استاد در ارتباط و هم‌نوایی بوده‌ام.

انقلاب ۵۷، به راهی افتاد که من از وی جدا ماندم؛ دلایلیش بماند. خوئی از جمله کسانی بود، که رفتن را به ناگزیر ماندن ترجیح داد و ناچار راهی غربت و دنیای مهاجرت شد.

شاید بیش از دو دهه، دورادور از او خیر داشتم و خواندن شعری و دیدن کتابی از او در این جا و آن‌جا. از پس این سال‌ها، که خود را یکی از شاگردان وی می‌دیدم، با خود درآدمم که برای شناخت نسل امروز از خوئی و شعرش باید کاری کرد و به انتظار حرکت دیگری نماند. اندوخته‌ها و به یادمانده‌ها از منش و شعر خوئی هنوز از یادم نرفته بود. در این میانه محمدعلی جعفریه (مدیر نشر ثالث) که در قلمروی «زندگی و شعر» بسیاری از شاعران آثاری به یادماندنی به چاپ رسانده بود، پیشنهادی هم در خصوص تدوین «زندگی و شعر خوئی» را به من داد. من هم که پس‌زمینه و انگیزه این کار را در خود بایگانی کرده بودم بیدار شدم و پذیرفتم که دست به این حرکت کوچک بزنم. با این سابقه و دانش اندکی که داشتم، شروع به کار کردم و با خود گفتم در طول راه از استاد هم خبری بگیرم و از دوستان دور و نزدیک نیز در تهیه منابع کمکی طلب کنم. با چنین دستمایه‌ای کار را آغاز کرده‌ام.

پیش‌گفتار

«زیباست، مثل فهمیدن تنهایی»

خوئی

به رسم حقیقت و زیبایی و چشم‌انداز نیم‌قرن زندگی و شعر اسماعیل خوئی است که همانند زندگانی بسیاری از نویسندگان و هنرمندان این روزگار، درگذر زمان، با فصل‌های دور و نزدیکی از بودن‌ها و نبودن‌های فراوان گره خورده است. چه در روزگار سرزمین مادری (تا ابتدای دهه شصت) - در دانشگاه تربیت معلم و مؤسسه تحقیقات - با نزدیک به بیست عنوان مجموعه شعر و بازتاب اندیشه‌های فکری و فلسفی‌اش که نزد اهل نظر، به‌ویژه جوانان و دانشجویان آن زمانه جایگاه برجسته‌ای داشت، و چه در غربت و مهاجرت که دیگر سی‌سالی از آن می‌گذرد. در چشم‌اندازی آزاد اما بسی دلتنگ! با همه دلواپسی‌هایش در قلمروی شعر و فرهنگ و سیاست!

خوئی در میان شاعران مهاجر، از چهره‌های صاحب‌نام و ارجمندی است که از گفتن و نوشتن باز نمی‌ماند؛ در حوزه شعر بیش از بیست عنوان دفتر شعر و دیگر گفتارها قلمی کرده است. بی‌گمان، کارنامه شاعر در عرصه‌های حقیقت و زیبایی